

# تکیہ دولت



پروفیسر گلبرگ انانہ و مطالعہ اسلامی

پہلی بار شائع ہوا

**«ساختمان عظیم  
تکیه دولت که بعضی  
از جهانگردان و  
نویسندگان مغرب  
زمین آن را شبیه و از  
حیث عظمت نظیر  
«أمفی تئاتر ورونا  
Verona»  
دانسته‌اند در ضلع  
شرقی کاخ گلستان و  
در مجاورت  
شمس‌العماره قرار  
داشت**

تکیه دولت به دستور ناصرالدین شاه و به مباشرت «دوستعلی خان معیرالممالک» در ضلع شرقی کاخ گلستان و در مجاورت شمس‌العماره در سال ۱۲۹۰ هجری قمری ساخته می‌شود. راجع به محل بنای تکیه دولت اخبار گوناگونی است. رضاعلی خان هنایت در روضه‌الصفا می‌نویسد: «در این ایام در تکیه دولت متعلق به منزل جناب جلال‌تصاب اتابک اعظم امیرنظام که آن را پنج‌جاه و دو ذرع طول و سی و دو ذرع عرض و مشتمل است بر حجرات تحتانی و فوقانی بر ستون بلند عماد آن ضمیمه است روزها مجلس تعزیه و اسباب سوگواری...». اما کسان دیگری اعتقاد دارند که ناصرالدین شاه پس از قتل امیرکبیر و تصرف اموال وی، در قسمتی از عمارت مسکونی میرزاتقی خان، تکیه دولت را بنا نمود. در هر صورت تکیه دولت بزرگترین تماشاخانه ایران محسوب شده و نقش آن در ترویج و اشاعه شکوه نمایش‌های سنتی ایران غیرقابل انکار است. «مهدی فروغ» ضمن مقاله‌ای راجع به «تکیه دولت» می‌نویسد: «ساختمان عظیم تکیه دولت که بعضی از جهانگردان و نویسندگان مغرب زمین آن را شبیه و از حیث عظمت نظیر «أمفی تئاتر ورونا Verona» دانسته‌اند در ضلع شرقی کاخ گلستان و در مجاورت شمس‌العماره قرار داشت و بنای سه طبقه گردی بود محیط بر محوطه وسیعی که قطر تقریبی آن را شصت متر و ارتفاعش را در حدود بیست و چهار متر و مساحتش را دو هزار و هشتصد و بیست و چهار متر مربع ذکر کرده‌اند. داربستی از الوار و تیرهای چوبی که با میله‌ها و تسمه‌های آهنی در هم قفل و بست شده بود بر روی دیواره‌های بنا تعبیه کرده بودند که استخوان‌بندی سقفی را بشکل گنبد در روی صحن بنا تشکیل می‌داد و در مواقع لزوم چادر یا پوشه‌ای بر روی آن می‌کشیدند که مردم را از تابش آفتاب و باران محفوظ بدارند. در وسط این سقف چهل چراغی آویزان بود که با چهل چراغ‌ها و قندیل‌ها و لاله‌هایی که در شب‌های تعزیه‌داری متجاوز از پنج هزار شمع در آنها روشن بود به آن بنا و مراسمی که

در آن برگزار می‌شد جلوه و جلال خاصی می‌بخشید. در وسط این محوطه سکوی گردی بود بشعاع تقریبی نه متر و ارتفاع نود سانتیمتر و برای رفتن بروی آن دو پلکان در دو طرف آن ساخته بودند که هر کدام دارای سه پله بود. دور این سکو جاده‌ای بعرض تقریبی شش متر وجود داشت که بعضی از عملیات تعزیه از قبیل اسب‌سواری و پیکار و مسافرت و غیره در آن صورت می‌گرفت و وقایع را بهتر مجسم و آن را بواقع امر نزدیک‌تر می‌ساخت و در نتیجه به تاهثیر آن می‌افزود... در یک سمت تکیه ایوان وسیعی دیده می‌شد که رواق آن با نقش‌های کاشی الوان و آجر زینت یافته بود. این ایوان وسیع جایگاه مخصوص مقام سلطنت بود. در مقابل این ایوان در انتهای صحن تکیه منبری از سنگ مرمر با چهارده پله بر روی سکوی مرتفعی قرار داشت که قبل از شروع تعزیه چند واعظ روی آن وعظ می‌کردند و مردم را برای مشاهده وقایع تعزیه آماده می‌ساختند. در اطراف صحن تکیه طاقنماهایی ساخته بودند به عرض تقریبی هفت متر و نیم که ستون‌ها و دیوارهای خارجی آن کاشی کاری بود. روی این طاقنماها اطاقهایی در دو طبقه وجود داشت که پنجره‌های آن را بصورت «آرشی» درست کرده بودند... بطور کلی می‌توان گفت که اطلاق‌ها و طاقنماها و ایوان‌های تکیه دلت از لحاظ هیأت ظاهر بقدری استادانه طراحی و معماری شده بود که هر کس آن را می‌دید زیبایی و استحکام آن را احساس می‌کرد». (فروغ، مهدی: تکیه دولت، مجله هنر و مردم، شماره ۲۹، اسفند ۱۳۴۲، ص ۷ و ۸). ناگفته نماند که این بنای عظیم و تاریخی در سال ۱۳۲۷ شمسی بوسیله دولت وقت خراب گردید. طرح اولیه تکیه دولت مانند هر تکیه دیگری باید از «معماری کاروانسراها» گرفته شده باشد. می‌دانیم که هنر نمایش تعزیه، با ایجاد بنای تکیه دولت و حمایت ناصرالدین شاه و درباریان از یک سو و پذیرش و استقبال آن از طرف توده‌های مردم بود که به اوج شکوفایی خود رسید. بنابراین بررسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



**«ساموئل بنجامین»  
نخستین نماینده دولتی  
ایالات متحده آمریکا در  
زمان سلطنت  
ناصرالدین شاه که  
سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳  
هق را در ایران  
گذرانده، یکی از  
نخستین تماشاگران  
فرنگی بود، که شاهد  
اجرای تعزیه در تکیه  
دولت بوده است.  
بنجامین حاصل  
مشاهدات و  
برداشت های خود را در  
کتابی تحت عنوان  
ایران و ایرانیان به  
رشته تحریر درآورده  
است**

اجرای تعزیه در «تکیه دولت» بخوبی می تواند بازگو کننده ارزش های اجرایی آن باشد. به همین لحاظ شرحی را که عبدالله مستوفی از مشاهده خود از آغاز اجرای مراسم تعزیه در تکیه دولت در کتابش آورده، بطور خلاصه نقل می کنیم:

دفعه اولی که من بتکیه دولتی رفتم شش هفت ساله بودم... از صبح تا ظهر جز قال قیل زن ها که گاهی هم در سر جای نشستن بهم تعدی می کردند و سر و صدای بزرگتر راه می انداختند و بحکمیت و گاهی تشر فراش ها سر و صدای آنها خاموش می شد خبری نبود. بعد از ظهر سر روضه خوان ها باز شد. تمام روضه خوان های شهر یکی بعد از دیگری آمده از پله های منبر مرمری بالا رفته چند کلمه روضه ای می خواندند. در سه ساعتی این روضه خوانی بی مستمع امتداد پیدا کرد. بالاخره سیدی بالای منبر رفت. زن ها که چشمشان باین سید افتاد یکمربه از سر و صدا افتادند. اگر چه باز هم ناله و گریه ای در کار نبود ولی چون این سید، سید ابوطالب روضه خوان شیرازی و معلوم بود که او روضه را ختم خواهد کرد و تعزیه به میان خواهد آمد زن ها آرام گرفته، سید هم چند کلمه ولی قدری زیادت از سایرین روضه خواند. دعا کرده، پایین آمد...

بلافاصله از سمت یکی از مدخل ها نوای دسته موزیک نظامی بلند شد. شکرالله خان موزیکانچی باشی در جلو، و دسته کامل العیار موزیک سلطنتی از دنبال وارد شدند...

این دسته نیم نوری به دور تخت وسط که محل نمایش تعزیه بود زده در جای خود قرار گرفته و ساکت شدند. بلافاصله از همان مدخل دسته نقارهچی با کرنا و دهل و طبل وارد شده، نیمدوری زدند و در جای مخصوص خود قرار گرفتند. بعد چندین دسته سینه زن با علم و نوحه خوان آمده نوری زدند و روبروی طاقتمای شاه توقفی کره سینه ای زده و از در خارج شدند... آخر هم دسته فراش ها آمدند، فراش های شاهی هزار نفری می شدند... نوری

زدند و خارج گشتند... بعد از سینه زن ها نوبت زنبور کچی ها که هر یک بر یک شتر سوار بوده و زنبورک او بطور مورب در جلوش نصب بود رسید... در هنگامی که این تجملات سلطنتی می گذشت دسته موزیک نظامی مشغول نواختن مارش های مختلف بود.

بعد از اندکی سکوت و سکون بالاخره تعزیه خوان ها وارد مجلس شدند. معین البکا با ریش پهن خرمایی که تمام سینه او را پوشانده و لیاده مشکی و عصای چوب آلبالوی سر و ته نقره و ناظم البکاء پسرش که او نیز جز ریش همه چیزش مثل پدر بود در جلو و دنبال او سی چهل نفر شبیه پسر بچه و دختر بچه و دنبال آنها شبیه زن ها و مردهایی که در تعزیه نقش داشتند همه با لباس نقش خود در صفوف چهار نفری در حالتی که نوحه می خواندند وارد شدند... اینها دور تمامی بنور تخت زده و از پله های وسط که روبروی غرفه شاه بود بالا رفتند و با امر و اشاره معین البکاء هر یک در ناحیه ای از این تخت بزرگ بر صندلی های مطلا که قبلا یعنی از صبح بمناسبت تعزیه این گوشه آن گوشه گذاشته شده بود، قرار گرفتند. بچه ها هم در ناحیه ای در هم روی زمین نشستند.

«ساموئل بنجامین» نخستین نماینده دولتی ایالات متحده آمریکا در زمان سلطنت ناصرالدین شاه که سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ ه.ق را در ایران گذرانده، یکی از نخستین تماشاگران فرنگی بود، که شاهد اجرای تعزیه در تکیه دولت بوده است. بنجامین حاصل مشاهدات و برداشت های خود را در کتابی تحت عنوان ایران و ایرانیان به رشته تحریر در آورده است. بنجامین شرح یکی از تعزیه ها. شبیه مختار و ظفرا و بر عبدالله محرک قتل امام حسین (ع) را که در تکیه دولت دیده در کتاب خود چنین توضیح می دهد:

... تعزیه این شب راجع به رشادت و جان نثاری مختار و ظفرا و

**«تکیه دولت» تنها  
تماشاخانه مذهبی  
آن روزگار نبود، بلکه  
مجلل ترین آنها بود.  
تکایای دیگری  
چون تکیه  
رضاقلیخان، تکیه  
سرتخت، تکیه  
قورخانه، تکیه عزت  
الدوله، تکیه  
سرچشمه و دهها  
تکیه دیگر نیز وجود  
داشتند**

بر عبدالله محرک قتل امام حسین (ع) بود. در مجلس اول عبدالله با کمال تخصص بر روی تخت نشست است و با عبارات نامعقول شغف خود را در باب قتل امام حسین (ع) اظهار داشته خوشحالی می کند از اینکه مأموریت بزرگی که یزید آقای او به او داده بود انجام پذیرفت. قاصد سریع الحرحه ای خیر قتل امام را برای او آورده بود و او دید که از این به بعد خانواده معاویه به طور استحکام بر سریر سلطنت قرار گرفته اند و بنیاد استحکام آن به خون اولاد پیغمبر سر رشته شده بعد از اندک مدتی صدای زنگ شتر مسموم گردید و قطاری از این سفائن صحرائی پدیدار گردید. به واسطه این قافله زینب و اطفال او را که نکشته بودند می آوردند و در جلو آنها اسرافتاده و سر امام حسین و عباس و سایر شهدای رسید را همراه داشتند عبدالله سر امام حسین (ع) را زده و اسرا را با کمال تحقیر پذیرفته ولی زینب به وضع کسان بی ملاحظه و با جراتی که عادت مایوسین است با عبدالله تکلم کرده گفت ما را هم حکم قتل ده تا بقیه اولاد علی کشته شوند. این سردار سبع در این مورد به طور قنوت رفتار کرده حکم قتل آن زن رشید را نداد. ولی حکم کرد «مسلمه» را بکشند. این شخص از اهل کوفه بود و چون هواخواهی علی را نموده، به حکم عبدالله چشم های او را در آورده بودند. در این وقت مسلمه به هدایت طفل خود به حضور عبدالله آمد که یک دفعه هم او را از جهت بیرحمی اش نفرین کند. وقتی میر غضب هاریختند که او را به

قتل رسانند طفل او سعی کرد که پدر خود را از دست آنها خلاص کند. بالاخره ضربتی که به پدر می زدند به پسر وارد آمد و او به زمین افتاد، فوت کرد. مسلمه از مد طفل خود محروم گشته جست و جومی کرد که او را پیدا کند و با صدای رقت انگیزی اسم او را می برد و او را می خواند، تا اینکه بالاخره بر روی جسد مرده طفل خود افتاد. او به زمین افتاده، با منتهای بی طاقتی با دست خود جسد طفل را دست زد و چون از حقیقت وحشت انگیز یقین به هم رسانید فریادی کرد و بر روی سینه طفل خود افتاد. این شبیه که نهایت سوزناک بود با منتهای مهارت در آورده شد. اما بعد از این موقع تلافی و انتقام در رسید. مختار به میان آمد و مانند پادشاهی با مناعت حرکت کرده داخل مجلس شد. همراهان او عبدالله را از مسند حکومت به زیر کشیده به طور بی اعتنائی و رسوائی با همراهان به قتل رسانیدند...» البته «تکیه دولت» تنها تماشاخانه مذهبی آن روزگار نبود، بلکه مجلل ترین آنها بود. تکایای دیگری چون تکیه رضاقلیخان، تکیه سرتخت، تکیه قورخانه، تکیه عزت الدوله، تکیه سرچشمه و دهها تکیه دیگر نیز وجود داشتند. مستوفی نقل می کند که رویهم رفته بیش از دویست تا سیصد مجلس تمزیه داری در «روضه خانه های اعیان و تکیه های محل» در طهران دائر می شده است. این آمار عظمت و رونق هنر نمایش تمزیه در آن روزگار را بیان می کند.

